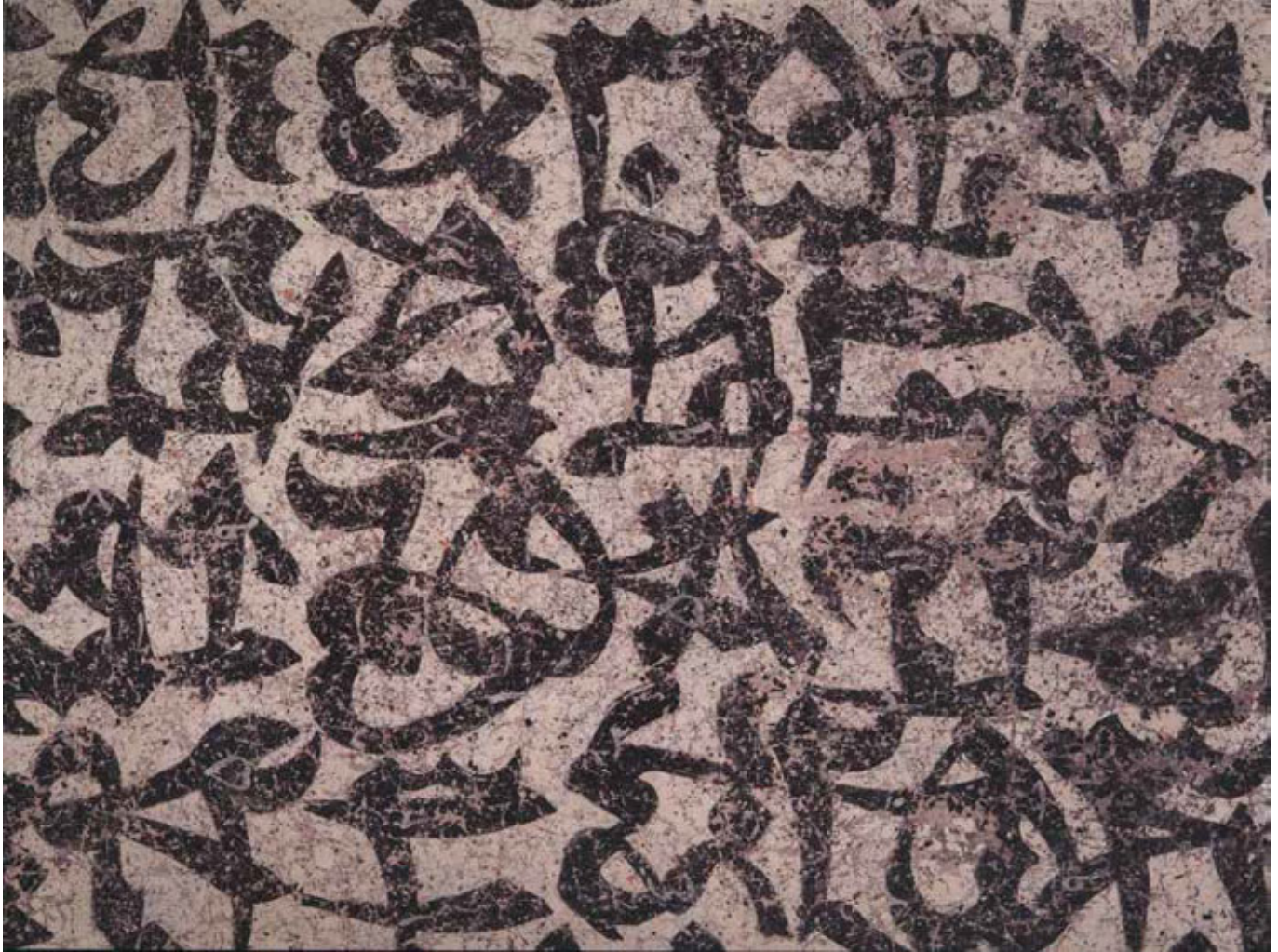


نگاهی به تحولات بازار هنر ایران و جایگاه خوشنویسی مدرن و معاصر (نگاهی به ششمین حراج تهران)

25 دی 1395

چندی پیش ششمین حراج تهران با فروش آثار هنرمندان جوان و برخی از هنرمندان صاحب نام ایران برگزار گردید که اخبار و نتایج آن را کم و بیش شنیده و دنبال کرده ایم. هرچند از آغاز فرار بود که تمرکز این حراج به شناسایی و معرفی هنرمندان جوان ایران معطوف باشد، در نهایت بیشترین موفقیت فروش همچون گذشته شامل نام‌های بزرگ و آثار پیشگامان هنر گردید.



کیانوش معتقدی:

چندی پیش ششمین حراج تهران با فروش آثار هنرمندان جوان و برخی از هنرمندان صاحب نام ایران برگزار گردید که اخبار و نتایج آن را کم و بیش شنیده و دنبال کرده ایم. هرچند از آغاز فرار بود که تمرکز این حراج به شناسایی و معرفی هنرمندان جوان ایران معطوف باشد، در نهایت بیشترین موفقیت فروش همچون گذشته شامل نام‌های بزرگ و آثار پیشگامان هنر گردید.

با بررسی تحولات بازار هنر ایران در چند سال اخیر و تحلیل شرایط کنونی و توجه به رشد قابل توجه قیمت‌ها در بازار همگانی (عمومی) و افتتاح تعداد قابل توجهی گالری در تهران - به واسطه ی رونق چشم گیر فروش آثار در پنج سال اخیر - که برخی بازار به وجود آمده را همچنان حباب می‌پندارند و عده‌ای هم حقیقت آن را پذیرفته و در آن سرمایه گذاری می‌کنند، لزوم شناسایی هنرمندان خوش آتیه که بتوانند به عنوان مهره‌های اصلی (ستاره‌های مارکت)، در آینده بازار هنر ایران نقش جدی بازی کنند اهمیت خاصی پیدا کرده است.



فرهاد مشیری، ششمین حراج تهران، 1395، برآورد اولیه 800-600 میلیون تومان، قیمت نهایی 850 میلیون تومان

هرچند ماهیت مارکت و برگزاری حراج‌های هنری اصولاً ساز و کار خاصی دارد و با هدف ایجاد و انجام یک فعالیت اقتصادی صورت می‌گیرد، پس حراج‌های هنری نماینده تمام و کمال هنر و هنرمندان یک منطقه جغرافیایی یا یک کشور نیستند.

در همین راستا اگر ماجرای مارکت هنر را در جایگاه اصلی اش یعنی علم اقتصاد مورد بررسی قرار دهیم، این علم می‌تواند با تکیه بر قوانین و قواعد خود و با تعیین مطلوبیت کالاها (یعنی آثار هنری) یا خدمات هنری (برگزاری نمایشگاه و حراج) به امر پیشبرد فعالیت‌های اقتصادی در هنر نیز کمک نماید. پس در ساختار بازار هنر کشور، موفقیت و پیشرفت اقتصادی در گرو هماهنگی و کارکرد متقابل بازیگران و گردانندگان با ایجاد فضای رقابتی پویا و کارآمد است، تئوری‌های اقتصادی هنر می‌تواند به صورت پویا مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

آنچنان که هرگاه این مطالعه و بررسی در طول زمان صورت پذیرد، متغیرهای اقتصادی (یعنی آثار هنری) و علت پدیده‌های اقتصادی طی پنج سال اخیر در نظر گرفته و بررسی می‌گردد. بنابراین نظام اقتصادی هنر ایران در داخل کشور یا آنچه به طور کلی باید در اقتصاد هنر مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد، مجموعه روابطی است که بین عوامل مؤثر در اقتصاد شکل می‌گیرد. در این عرصه هنرمندان (با تولید اثر)، گالری‌ها و حراج خانه‌ها (با نمایش و ایجاد شرایط فروش) و مجموعه داران (با سرمایه گذاری و گردآوری آثار) عوامل اصلی در شکل گیری و پا گرفتن مارکت پررونق مالی و سرمایه به شمار می‌آیند.

در این میان علاوه بر مجموعه دارانی که به صورت حرفه‌ای به امر گردآوری آثار هنری با رویکردی خاص اقدام می‌کنند، و تأثیرشان بر ساختار بازار حائز اهمیت است، حضور فعالانه بنگاه‌های اقتصادی همچون بانک‌ها یا موسسات اقتصادی با پشتوانه مالی قوی، می‌تواند موازنه بازار و کسب سود اقتصادی در این بازار را دستخوش تغییراتی چند کند، هرچند فعالیت‌های اقتصادی این دو گروه (یعنی سرمایه گذاران و حراج گذاران خصوصی و بانک‌ها و مؤسسات مالی) در عرصه هنر در یک نقطه مشترک به هم می‌رسند و آن ایجاد فضای اقتصادی پویا و بازاری پررونق است که در نهایت منجر به جذب سرمایه گذاران خصوصی و بنگاه‌های اقتصادی تازه وارد به این چرخه شود. در تمام این مراحل نقش هنرمندان و جایگاه آثارشان به عنوان متغیرهای اقتصادی (و نه عناصر سازنده تاریخ هنر) وابستگی مستقیمی به ساز و کار پدیده‌های اقتصادی همچون حراج‌ها دارد.

اما فاصله موجود میان گالری داران و نمایشگاه‌هایی که برگزار می‌کنند و حراج‌های هنری، می‌بایست با اتفاق هنری دیگری یعنی «آرت فر»ها پر شود تا آن بخش از هنرمندان و گالری دارانی که فرصت حضور در بازار پرمایه و مشارکت در حراج‌های تثبیت شده را ندارند، بتوانند شانس خود را در فضای متفاوت محک بزنند و چه بسا خریداران و مجموعه داران حرفه‌ای و تأثیر گذار را به جرگه مخاطبان خود بیفزایند.

در شرایط کنونی، که به نظر می‌رسد بازار هنر ایران رشد نسبتاً قابل قبولی داشته، همچنان رکورد بالاترین فروش به گروه خاصی از آثار هنرمندان مدرنیست و پیشگام و البته آثار نقاشی خطی تعلق دارد که به واسطه «اصالت» جایگاه خاص خود را در بازار بین‌المللی و خاورمیانه تثبیت کرده‌اند. اما این حقیقت را نباید فراموش کنیم که در آینده نه چندان دور، زمانی که تعداد آثاری از این دست (به دلیل تعلقشان به بازار پرمایه) کم و نایاب شوند، احتمال دارد که در مقابل نیاز بازار به سرمایه گذاری روی چهره‌های نو، که پتانسیل و ویژگی‌های لازم برای رشد اقتصادی و موفقیت در بازار را دارند، اقتصاد هنر ایران در داخل و همچنین در عرصه جهانی دچار گسست شود؛ چراکه اگر امروز در هر زمینه‌ای (مثل خوشنویسی، مجسمه سازی و نقاشی) یک یا چند هنرمند جوان از سوی گردانندگان مارکت (شامل حراج گزاران، گالری داران، مجموعه داران و دلالان هنری) شناسایی و حمایت نشده باشند، در آن بزنگاه قابل پیش بینی، فضای بازار دچار شوک و سردرگمی خواهد شد و کسی نیست که بتواند قیمت اثرش را تا حدود گران‌ترین رکوردهای پیشین فروش در بازار یا حراج‌های داخلی و خاورمیانه بالا ببرد.



رضا رینه ای، 1395، برآورد اولیه 25-20 میلیون تومان، قیمت نهایی 100 میلیون تومان

البته به طور هم زمان پدیده دیگری نیز در حال شکل گیری است و آن تمایل و کشش ناخودآگاه هنرمندان به دریافت درآمد کلان از بازار هنر و خلق آثار در واکنش به این نیاز است، که متأسفانه در روند غیر متعارفش تا به امروز نتیجه‌ای نامبارک داشته، و آن اینکه هنرمندان جوان برای به دست آوردن اقبال بازار و کسب درآمد و شهرت، چشم به آثار موفق در حراجی‌های داخلی و آرت فرهای منطقه دوخته‌اند و راه ورود به مارکت را در شبیه سازی و گرت برداری‌های ضعیف از آثار بازار پرمایه هنر می‌بینند؛ شمار بالای آثار تولید شده نقاشی خط در روزگار ما- که در برخی موارد تکراری یا کپی برداری از آثار پیشگامان در آنها به وضوح پیداست - باعث شده دیگر مدیوم‌های هنری هم تحت تأثیر این رویکرد قرار گیرند و عناصر یا نقوش تکرار شونده‌ای که هنرمندان امروز تنها به دلیل استقبال بازار، وارد کار خود کنند، مصداق این ناهنجاری در عرصه تولید و ارائه آثار

برای بازار است، که به باور نگارنده در آینده به معضلی جدی در فضای هنر ایران بدل خواهد شد؛ مثل استفاده فراگیر از خوشنویسی در نقاشی و مجسمه سازی یا استفاده اغراق آمیز از آینه و آینه کاری که در میان آثار ارائه شده در همین حراج هم کاملاً مشهود بود.

بازار هنر امروز ناگزیر به کشف هنرمندان خلاق است که دغدغه‌های معاصر بودن در آثارشان به گونه‌ای با اصالت وجود داشته باشد. اصالت به معنی معاصر بودن - یعنی هر اثری که به شکلی جنبه ابداع در آن ابراز شده باشد. به خصوص در عرصه خوشنویسی معاصر (نقاشی خط) هنرمندانی می‌توانند در آینده این مارکت موفق باشند که در آثارشان غالباً شکل گیری نوینی صورت بگیرد؛ فرایند ادغامی پربار و گاه پیچیده که ذات ادغام شده در ویژگی اش به آن ویژگی دیگرگون می‌بخشد و سبب تمایز «خلق اثر» اصیل از تولید اقتباسی می‌شود، اما نکته مهم تر اینکه اصیل زمانی اصیل خواهد بود که دلالتی بر اکنون داشته باشد.



حسین زنده رودی، 1395، برآورد اولیه 300-400 میلیون تومان، قیمت نهایی 360 میلیون تومان

به باور نگارنده ما در مرحله دقیقی از تاریخ هنرمان، مرحله لغزنده ای، به سر می‌بریم و نمی‌توانیم کیان و بنیاد آینده هنرمان را تثبیت کنیم مگر آنکه بررسی تأثیر گذار و نه تأثیر پذیر از رابطه میان سنت و فرهنگ عصرمان با واقعیت جاری در هنر مدرن و معاصر جهانی داشته باشیم. بررسی‌ای که بنیاد آن نگاه منتقدانه، دیدگاهی فراگیر و جدلی آگاهانه به خصوص در عرصه نقاشی خط باشد که در این میان حتماً ضرورت بازخوانی همین سنت و تقابلیش با اندیشه معاصر و دیدگاه‌های نوین به طور مشخص در آثار خوشنویسی هم از همین جا سرچشمه می‌گیرد. متأسفانه تا به امروز بزرگ ترین هنرمندان ایرانی در این عرصه هنوز یک کتاب (شامل بیوگرافی، نمونه‌های آثار و مقالات تحلیلی درباره جایگاهشان در تاریخ هنر) از آنها منتشر نشده، تا چه رسد به آنانی که قرار است در آینده بیش از پیش مطرح شوند!

با نگاهی به نتایج حراج‌های هنر مدرن و معاصر خاورمیانه و ایران در سطح بین المللی (از سال 2006م.) و داخلی (از سال 1390) پرواضح است که آثار خوشنویسی (نقاشی خط) همواره بالاترین اقبال و موفقیت را در عرصه مارکت هنر داشته و دارند. پس به همین جهت در اکثر موارد آثار نقاشی خط توجه و سرمایه گذاری ویژه‌ای را در بازار هنر جذب خود می‌کنند و این مسئله همان طور که پیش تر اشاره گردید زمینه ساز پدید آمدن رویکردی متفاوت در حوزه دیگر هنرهای تجسمی همچون مجسمه و نقاشی هم می‌شود تا آنجا که این هنرها نیز تحت تأثیر این چرخش بازار و شرایط حاکم بر اقتصاد هنر، خواسته یا ناخواسته واکنش نشان داده و حروف و کلمات دستمایه اصلی کار هنرمندان برای خلق آثارشان می‌شود.

با تأملی بر هنرمندان و آثار نقاشی خط (مدرن و معاصر) ارائه شده و نتایج فروش آنها در ششمین حراج تهران، شاید بتوان دغدغه‌های اصلی بازار امروز و همچنین خریداران و سرمایه گذاران را بیش از پیش تحلیل کرد، هرچند این بررسی در غیاب بسیار دیگری از هنرمندان این عرصه تنها محدود به جامعه آماری این حراج است.

شایان ذکر است هنرمندانی را که آثار نقاشی خط شان در سال‌های اخیر در حراج‌های خارجی و داخلی مورد توجه خریداران و فضای اصلی مارکت بوده می‌توان در سه گروه اصلی مورد بررسی قرار داد. گروه نخست هنرمندان مدرنیستی که عمدتاً پیشگامان هنر ایران هم بوده‌اند و به دلایل مختلفی توانسته‌اند در کارزار هنر ایران در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی دستاوردهای ویژه‌ای برای هنر ایران در سطح بین المللی و داخلی به ارمغان بیاورند، اینان از همان آغاز کار شانس این را داشتند که به طور هم زمان با جنبش‌های مهم هنری زمانه شان هم سو شوند و جنبشی همچون سقاخانه را بنیان بگذارند. این هنرمندان به لحاظ جایگاه تاریخ هنری شان و نوع زیبایی شناسی خاص موجود در آثارشان امروز بالاترین رکوردهای فروش را نیز در نمایشگاه‌ها و حراج‌های هنری داخل و خارج از کشور به خود اختصاص می‌دهند و در گزینش و ارائه آثارشان مخاطب به دنبال اعتبار امضایشان است تا یافتن حرفی تازه یا تابلویی غیر تکراری از مجموعه‌هایی که کما بیش حال و هوایی مشابه در یک برهه زمانی خاص در آنها مشاهده می‌شود. در کنار این نام‌های بزرگ همچون زنده رودی، احصابی، ارمجانی، پیلارام، مافی، افجه‌ای و چند نام دیگر، البته هنرمندان معاصری هم هستند که با شناخت درست از فضای هنر معاصر و البته حمایت خریداران و مجموعه داران تأثیرگذار در طول یک دهه اخیر توانسته‌اند به لحاظ جایگاه هنری و البته قیمت بالای فروش آثارشان در حراج‌های منطقه خود را در گروه نخست جای دهند و بازار همان واکنش تثبیت شده‌ای از روند رو به رشد خرید و فروش آثار مدرنیست‌ها را با آنها می‌کند؛ شاید جدی ترین چهره این عرصه فرهاد مشیری باشد.

اما در مقابل، گروه دوم بسیاری از هنرمندان متولد دهه‌های چهل و پنجاه شمسی هستند که در بیشتر موارد در آغاز دانش آموختگان سیستم سنتی خوشنویسی ایران در سال‌های پیش از انقلاب و دهه شصت هستند و امروز با اتکا به آموزه‌های سنتی در خط (به ویژه نستعلیق) و فراگیری گرافیک و دیگر هنرهای معاصر که به صورت آکادمیک در سال‌های پس از جنگ در دانشگاه هنر آموخته‌اند با رویکردی معاصر تر پا به عرصه نقاشی خط گذاشته و با وجود آنکه به لحاظ هنری دارای ارزش‌های

هنری قابل قبولی هستند، فاصله قیمتی معنا داری با گروه نخست داشته و دارند. هرچند در مواردی هم در چند سال اخیر برخی از هنرمندان معاصر با درک والا و عرضه کیفیت بالایی از این هنر توانسته‌اند این فاصله را جبران کنند؛ مثل صداقت جباری. از جمله شناخته شده ترین هنرمندان این عرصه می‌توان به رسولی، شیرازی، صادق زاده، رینه ای، آریامنش، امیدی، حنفی، فدایی، کرمی و بخشایشی نیز اشاره کرد...

گروه سوم هم هنرمندان جوانی هستند که عموماً بعد از انقلاب زاده شدند و جزء نسل نو هنر ایران هستند و در آغاز کارنامه حرفه‌ای هنری خود گام برمی دارند؛ مثل رشوند، بزرگی، آستانه، شیردل و بسیاری دیگر. در همین راستا و در ششمین حراج تهران آثار نقاشی خط نسبت به دیگر آثار جهش بالایی در فروش نهایی داشتند، که در صدر آنها دو اثر از فرهاد مشیری با مجموع فروش 1300 میلیون تومان و دو اثر از حسین زنده رودی با مجموع فروش 600 میلیون تومان، برجسته ترین رکوردهای آثار نقاشی خط در این حراج را ثبت کردند. شایان ذکر است، اثر نقاشی خط رضا رینه‌ای (از مجموعه جاده ابریشم) با برآورد اولیه ۲۵ الی ۲۰ میلیون تومان با فروش نهایی 100 میلیون تومان بیشترین رشد را در میان آثار این حراج داشت و هم چنین اثر نقاشی خط علی شیرازی (سوره حمد) با برآورد اولیه 70 الی 90 میلیون تومان، آثاری بودند که با فروش نهایی 110 میلیون تومان آثاری بودند که از مرز فروش 100 میلیون تومان برای آثار هنرمندان معاصر (که قابلیت تبدیل به ستاره‌های آینده را داشتند) در عرصه نقاشی خط عبور کردند.



علی شیرازی، ششمین حراج تهران، 1395، برآورد اولیه 90-70 میلیون تومان، قیمت نهایی 110 میلیون تومان

در ادامه هم آثار عین الدین صادق زاده، محمد بزرگی، علیرضا کرمی، بهرام حنفی و بابک رشوند هم توانستند با رشد نسبی خوبی به فروش برسند. هرچند در این میان دو اثر نقاشی خط هم از صداقت جباری و عذرا عقیقی بخشایشی با فروش نه چندان موفق روبه رو شدند و در کمال ناباوری با قیمتی پایین تر از برآورد اولیه فروش رفتند، که شاید یکی از دلایل آن تکراری بودن سبک و سیاق آثارشان بود.

در میان آثار مجسمه (با المان‌های خوشنویسی) هم رشد قابل قبولی به لحاظ قیمت نهایی مشاهده شد؛ مجسمه «عشق» اثر رامین شیردل با برآورد اولیه 80 الی 60 میلیون تومان و فروش نهایی 160 میلیون تومان و اثری از علیرضا آستانه با برآورد اولیه ۲۵ الی 35 میلیون تومان و فروش نهایی 65 میلیون تومان.

با نگاهی به این نتایج در می‌یابیم که آن دسته از آثار نقاشی خط که بیان معاصرتر و روایت‌هایی تازه از لحاظ تکنیک اجرا، رنگ آمیزی و از همه مهم تر غیر تکراری بودن ساختار و سوژه را در کالبد خود داشته‌اند، اقبال بیشتری در عرصه بازار هنر داخلی به خود اختصاص داده‌اند که بدون شک همین رویکرد مناسب در آینده، احتمالاً بستر ساز توسعه اقتصادی این بخش از هنر ایران در عرصه بین المللی هم خواهد شد، اما نباید فراموش کنیم که در فرصت‌های پیش رو بازار هنر ایران و گردانندگان آن، نمی‌توانند بی توجه به ساز و کار بازار منطقه‌ای و بین المللی هنر با رعایت استانداردهای ارزش گذاری، شیوه‌های ارائه و برگزاری آرت فر و حراج‌های با کیفیت بالا، جایگاه همسان با تحولات اقتصادی هنر خاورمیانه را حفظ کنند.

منبع: مجله تندیس